**اصول، جلسه 4: 19/6/۱۳۹۹، استاد سید محمد جواد شبیری**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

در مورد لا ضرر صحبت می‌کردیم که مرحوم آقای حاج شیخ از لا ضرر یک معنای وسیعی را فهمیده بودند که لا ضرر معنایش این است که شارع با راه‌های مختلف جلوی تحقق ضرر را در خارج می‌گیرد. ما صحبتمان این‌که شبیه همین را آقای سیستانی فرموده بودند، نسبت با لا ضرار با یک مقدار وسیع‌تر هم ایشان تعبیر کرده بودند. صحبت سر این بود که آیا واقعاً لا ضرر و لا ضرار از آن یک چنین مفهوم وسیعی استفاده می‌شود یا استفاده نمی‌شود. عرض کردیم یک موقعی خود این ترکیب را بنفسه در نظر می‌گیریم. یک موقعی این ترکیب را با ملاحظة تطبیقاتی که در روایات شده در نظر می‌گیریم. اگر تطبیق را به نفسه در نظر بگیریم، مشابهات این تعبیر هیچ معنای وسیعی که ایشان، این بزرگواران از آن فهمیدند در آنها فهمیده نمی‌شود. «فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج» از آن فهمیده نمی‌شود که حتماً در مورد رفث و فسوق و جدال کفاره‌ای وجود دارد. قلع مادة فساد وجود دارد و سایر اموری را که این بزرگواران در مورد لا ضرر فهمیدند.

شاگرد: انصاری وقتی از حضرت سؤال می‌کند دغدغه‌اش حکم تکلیفی سمره نیست، این است که آیا من می‌توانم جلوی این را بگیرم حل کنم؟

استاد: فعلاً اصل ترکیب را داریم صحبت می‌کنیم. تطبیقات یک بحث دیگر است. می‌خواهیم این ترکیبی که وجود دارد، این ترکیب خودش مفادش چی است؟ آن را مطرح بفرمایید. بحث سر این است نفس این ترکیبی که وجود دارد این ترکیب به خودی خود مفادش چی است؟ آیا معنای این ترکیب بدون این‌که در کجا تطبیق شده، حالا آن قرینة تطبیق روایات، آن یک بحث دیگر است که باید آن را مستقلاً صحبت کنیم. آن این است که بنابراین، خود این ترکیب در مشابهاتش از آن یک مفهوم گسترده‌ای استفاده نمی‌شود. در خود موارد لا ضرر هم این مقداری که محدوده‌های لا ضرر را این ترکیب نمی‌تواند ازش استفاده کرد، این هم شاید روشن باشد. فرض کنید حالا یک کسی که به دیگری ضرر می‌زند برای جلوگیری از ضرر چه راه‌حلی را، آیا همة راه‌حل‌هایی که امکان‌پذیر هست شارع مقدس این راه‌حل‌ها را گفته مثل ضار را زندان بیندازید. یک راهش این است برای این‌که جلوگیری از ضرر بشود ضار را زندان بیندازد، شلاق بزنید، مجازات کنید. این‌که نیست. یک محدوده‌ای وجود دارد برای جلوگیری از ضرر. تمام راه‌حل‌هایی که برای جلوگیری از تحقق ضرر در خارج امکان‌پذیر هست، این روایت ناظر به آن جهت نیست که تمام این راه‌حل‌ها را شاید مقدس اینجا اعمال کرده برای این‌که ضرر تحقق پیدا می‌کند. این فی الجمله این مقدارش روشن هست. حالا تطبیقاتی که این لا ضرر در روایات ما دارد، این تطبیقات را که عمدة این تطبیقات داستان سمره است. البته حدیث اثبات حق شفعه و منع فضل ماء، آنها هم بنابر این‌که شخصی آنها را هم از مصادیق قاعدة لا ضرر بداند و جمع بین مروی بداند به تعبیر آقایان، آنها را هم باید مد نظر داشت. اینها را چجوری ما مشی کنیم؟ در مورد حدیث لا ضرر عمده‌اش قطعه‌ای که آن نقلی که گفته که برو این، به انصاری پیغمبر صلوات الله علیه اجازه می‌دهند که برود آن نخله را بکند و ارم بها الیه فانه لا ضرر و لا ضرار، عمده آن تکه مورد مد نظر هست. بعضی‌ها به این تمسک کردند برای این‌که یک معنای وسیعی برای لا ضرر اینجاها اراده شده باشد که قلع مادة فساد هم مستند به همین لا ضرر و لا ضرار هست. ما حالا یک بحث هست که روی مطلبی که ما احتمالش را بعید نمی‌دانستیم که اصلاً لا ضرر و لا ضرار فقط حرمت تکلیفی از آن استفاده بشود، به آن معنای وسیعی پیشتر صحبت کردیم، آن را آیا می‌توانیم با این روایت توضیح بدهیم یا توضیح ندهیم، بعداً عرض می‌کنم. روی این مبنا نه. روی این مبنایی که بگوییم لا ضرر و لا ضرار نفی حکمی را می‌کند که ینشاء منه الضرر، روی این اگر بخواهیم مشی بکنیم ممکن است اینجور بگوییم که در واقع به یک معنای وسیعی از این عبارت استفاده می‌شود که شارع مقدس در مورد لا ضرر گفته که چون اجازه دادن. اینجا خیلی روشن نیست که امر عدمی مرفوع باشد. چون ممکن است بگوییم که این‌که پیغمبر فرموده برو این را بکن، اجازه هست، نه امر مولوی که حتماً این کار را بکن. یعنی شما مجاز هستید نخلة سمره را بکنید. اصل ضرر ناشی از حرمت تصرّف در مال غیر است. ما قبلاً این را توضیح دادیم. در مرحلة اوّل ضرر ناشی از این هست که انصاری بخواهد بدون اجازه وارد خانه بشود. جواز ورود انصاری بدون اجازه. پیغمبر این جواز را گفتند نه جایز نیست، اجازه بگیر. امر کردند به استجازه. آن خیلی در این روایت کأنّ مد نظر نیست که به جواز استناد شده. حالا آن لا ضرر و لا ضرار هم به او مستند نکردند. لا ضرر و لا ضرار دلیل بر چی است؟ دلیل بر جواز قلع آن نخلة سمره هست. حرمت تصرف در مال غیر، اگر سمره امر اوّلی را گوش می‌کرد و در ورود خودش اجازه می‌گرفت، ضرری ناشی نمی‌شد. در طول عصیان سمره نسبت به امر شارع به استیذان، در طول این برای کسی که عصیان می‌کند امر شارع را، چه چیزی باعث شده است که انصاری به ضرر برسد؟ آن حرمت تصرف در مال غیر است. و الا اگر آن حرمت تصرف نداشت، انصاری اجازه داشته باشد که برود نخلة سمره را بکند دور بیندازد ضرر نمی‌بیند. این ضرر ناشی از حرمت است، و حرمت یک امر وجودی است. و امر عدمی نیست و این حرمت هیچ مشکل از آن استفاده نمی‌شود یک معنای عامی. بنابراین از تطبیق بر قضیة سمره، در قضیة سمره هم بر آن جواز استطراق بلا اذنٍ تطبیق نشده. یک موقعی شما از جواز استطراق بلا اذنٍ تطبیق می‌کنید، ممکن است بگویید که این جواز اقتضاء عمل کردن بر طبقش را ندارد. این جواز چون اقتضاء ندارد بنابراین باید لا ضرر به یک معنای عامی از آن اراده بکنیم. ولی نه حرمت تصرف در مال غیر این باعث شده که انصاری به ضرر مواجه بشود. این تطبیق از آن استفاده نمی‌شود که این معنای حدیث یک معنای عامی هست. بله آن موارد قاعدة شفعه و آن حدیث منع فضل ماء آن می‌شود چیز کرد که ما آن را قبول نداشتیم صغرویا که آنها لا ضرر و لا ضرار را امام علیه السلام ذکر کرده باشد و اگر هم ذکر کرده باشد از این بابت هست که تعلیل به این شده، آنها را قبلاً صحبت کردیم. نه اصل این‌که لا ضرر و لا ضرار در کلام پیغمبر یا در کلام امام علیه السلام کنار این آمده باشند خیلی روشن نبود، به فرض هم روشن باشد، این معنایش این نیست که این دو تا حکم لا ضرر و لا ضرار کبرایی هست که حدیث منع شفعه جزء صغریاتش باشد. این را قبلاً مورد بحث قرار دادیم.

شاگرد: در حقیقت حرمت را برداشتید.

۱۳:۳۳

استاد: بله، حدیث سمره حرمت تصرف در مال غیر را برداشته. حرمت تصرف در مال غیر یک امر وجودی است.

شاگرد: در ضمانش هنوز هست.

استاد: نه حالا آن یک بحث دیگر است. بحث دیگر این است که آیا به عدم ضمان بلا ضرر استناد نکرده. ممکن است ما از اطلاق دلیل استفاده کنیم پیغمبر که فرمودند یعنی بکن بینداز دور ضامن هم نیستی ولی ضامن نبودن را به چی استناد کرده؟ آن اطلاق مقامی این دلیل شاید اقتضاد می‌کند که ضامن هم نیست ولی به لا ضرر بر عدم ضمان استدلال نشده. آن که استدلال شده به جواز کندن این برای دور انداختنش است. بنابراین ما نمی‌توانیم از این روایت استفاده کنیم که در موارد اینچنینی لا ضرر دلیل بر. حالا آن ممکن است مطلب همین‌جور هم باشد، که ازش استفاده می‌کنیم که ضمان هم نیست و امثال اینها. ولی لا ضرر و لا ضرار ما دلیل نداریم که دلیل بر عدم ضمان باشد. بله خودش از خود همین روایت استفاده می‌شود

شاگرد: بکن بینداز جلوش ضرر ندارد یعنی فقط عنوان را می‌خواهد چیز کند؟

استاد: می‌تواند حرمت تصرف در مال غیر را بردارد.

شاگرد: با هم نیست

استاد: نه این خودش یک مستقیماً آن که دال هست جواز است. چون ذکر نکرده ضامنی اطلاق مقامی‌اش اقتضاء می‌کند ضمان نداشته باشد. استدلال بر آن حکمی که از اطلاق مقامی استفاده می‌شود تعبیر ازش استفاده نمی‌شود به آن حکمی که مفاد اطلاق مقامی این دلیل هست استدلال شده. بنابراین از این روایت هم استفاده نمی‌شود که لا ضرر و لا ضرار یک معنای عامی داشته باشد. حالا البته عرض می‌کردیم که ممکن است حتی این روایت به یک معنای دیگری ما معنا کنیم. بگوییم در واقع این روایت می‌گوید که چون ضرر و ضرار ممنوع هست، کأنّه لا ضرر و لا ضرر یک صغرای یک کبرای مطوی دارد. شما به جای لا ضرر و لا ضرار صریحاً کلمة حرمت را به کار ببرد، باز هم می‌شود این جمله را به کار ببریم. بگوییم که برو این درخت را بکن بینداز جلویش به خاطر این‌که اضرار مؤمن حرام است. آن وقت کبرایش این می‌شود که شارع مقدس می‌تواند برای جلوگیری از تحقق مبغوض خودش و امر محرّم خودش راه حلی ارائه بدهد که این راه حل برای تحقق، یعنی از بین رفتن آن مبغوضش می‌شود. یعنی کبرایش این هست که و للشارع ان یحکم آن صغراست، نه این‌که به شارع، همیشه قانونگذار وقتی یک هدفی دارد، برای رسیدن به آن هدفش راه‌های مناسبش را دنبال می‌کند. کأنّ می‌گوید این محرّم هست اضرار در مکتب اسلام، در شریعت و دین ما، وقتی محرم شد ما راه‌حلی برای، این راه‌حل را برای جلوگیری از این مبغوض دنبال کردیم. مانعی ندارد که، حتی صریحاً شما کلمة محرمٌ به جای لا ضرر و لا ضرار بگذارید هیچگونه استهجانی ندارد و مانعی ندارد که ما این را استدلال بیاوریم بر جواز قلع نخله به حرمت اضرار با یک کبرای مطوی.

شاگرد: نمی‌گوید هر ضرر حرامی شما می‌توانید جلویش را بگیرید. خود شارع

استاد: بله. آن می‌تواند اینجور باشد. و یک نکته‌ای را من عرض بکنم، آن این است که اگر هم فرض کنیم که این روایت دال بر این هست که شارع مقدس در مسئلة ضرار یک راه‌حلی را اینجا دنبال کرده است، آن وقت چطور شد در مورد ضرار قلع مادة فساد، منهای آن عرضی که کردم که اینجا ضرر ناشی از حرمت تصرف هست. نه، بگوییم شارع مقدس اینجا قلع مادة فساد به لا ضرر و لا ضرار مستند کرده، منهای آن جهت، ممکن است اینجوری شخص تعبیر بکند که همین جواب هم در مورد حدیث شفعه و حدیث منع فضل ما آن روشن‌تر می‌آید. آن این است که لا ضرر و لا ضرار دال بر این هست که شارع مقدس برای جلوگیری کردن از تحقق ضرر در خارج اقدامی می‌کند، این هست. ولی این اقدام به چه نحو اقدام می‌کند، به آن نحوی که خود شارع صلاح می‌داند. یعنی این دلیل حداکثر ازش این مطلب استفاده می‌شود که شارع مقدس برای جلوگیری از تحقق ضرر و ضرار یک راه‌حلی را، یک چیزی را دنبال می‌کند. این تعبیری که مرحوم نایینی در مورد حدیث شفعه و منع فضل ماء تعبیر کرده که لا ضرر و لا ضرار حکمت جعل است. ممکن است مراد از حکمت جعل این نکته باشد، اینجوری توضیح بدهیم تعبیر مرحوم نایینی را که چون شارع می‌خواهد ضرر و ضرار تحقق پیدا نکند در خارج، می‌آید یک احکامی را جعل می‌کند و این تا جلوی این ضرر و ضرار را بگیرد. این‌که چه احکامی برای جلوگیری از ضرر و ضرار جعل می‌شود، این احکام را تطبیقش را به مکلفین واگذار نکرده. معنای حکمت جعل این است، یعنی آن اهدافی که نحوة تطبیق آن اهداف و نحوة رسیدن به آن اهداف به عهدة خود شارع است. بعضی چیزها را فرض کنید شارع، مثل ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر. ان الصلاة ولو به عنوان علت جعل صلاة قرار داده شده، ولی این‌که شارع مقدس برای این‌که به هدف جلوگیری از فحشاء و منکر برسد یک راه‌حل‌هایی را دنبال کرده. ولی این راه‌حل‌ها را خودش مصادیقش را تعیین کرده. اینجور نیست که شارع مقدس به عهدة مکلفین گذاشته باشد، شما بروید هر عبادتی که به نظرتان رسید که این جلوگیری از فحشاء و منکر می‌کند آن عبادت را بگویید، خود همین دلیل باشد برای مشروعیت عبادات. نه، این حکمت جعل به این معنا هست که یک اهدافی وجود دارد که برای رسیدن به آن اهداف شارع یک احکامی جعل کرده. اما آن احکام چی است و آن احکام را خود شارع باید بیان کند. ما نمی‌توانیم با تمسک به قاعدة لا ضرر و لا ضرار خصوصیت آن احکام و کیفیت آن احکام را به دست بیاوریم.

شاگرد: ادعا نگفته. ؟؟؟ ۲۲:۴۰ نگفته چجور ببرم. بیان این است یا نه می‌خواهید بفرمایید اصلاً صغرویاً هر ضرری را قبول ندارد.

استاد: عرضم این است که از این‌که در موارد شفعه مثلاً یا موارد منع فضل ما به لا ضرر و لا ضرار استناد شده، معنایش این نیست که لا ضرر و لا ضرار به عنوان یک قانون عامی هست که از آن.

مواردی که مجرد تطبیق لا ضرر و لا ضرار بر این موارد این معنایش این نیست که لا ضرر و لا ضرار یک قانون عامی هست که ما می‌توانیم با تشخیص صغریاتش آن قوانینی که هست آن را تشخیص بدهیم.

شاگرد: اول اینجور بیان کردید که طبق معمول خودشان سیر نکنیم

استاد: ما طبق مبنای خودمان سیر نمی‌کنیم. بحث ما این بود که به هر حال لا ضرر و لا ضرار اگر هم می‌خواهد بگوید شارع مقدس برای جلوگیری از اضرار احکامی جعل کرده، اینجور نیست که هر حکمی که ممکن است برای جلوگیری از اضرار جعل بشود از این روایت استفاده بشود. آن‌که هیچ حکمی را برای جلوگیری از اضرار جعل کرده، از خود شارع است، چون مشخص است که عرض کردم آیا لا ضرر معنایش این است که ضار را شارع به زندان بیندازد. خب یک راهش این است که ضار را زندان بیندازد، شلاق بزند. مقدار شلاق، هر چی بیشتر. اینها اینجور که نیست. چون یک نکته‌ای هم وجود دارد، بحث جلوگیری از ضرر فقط هدف شارع که نیست، یک سری چیزهای دیگر هم هدف شارع هست با مجموع کسر و انکسارات شارع مقدس یک حکمی را جعل می‌کند. گاهی اوقات ممکن است زندان انداختن جلوی ضرر را بگیرد ولی از بعضی از مصالح دیگری را که شارع مقدس آن مصالح برایش اهم هست مانع آن مصالح بشود. این‌که ما بخواهیم از لا ضرر و لا ضرار استفاده کنیم که شارع مقدس تمام احکام، هر حکمی که جعل آن حکم جلوی تحقق ضرر را می‌گیرد آن را جعل کرده ازش استفاده می‌کنیم.

شاگرد: یعنی فقط ضرر نمی‌خواهد بزند چون‌که خودش می‌داند.

استاد: از آن نمی‌شود این را استفاده کرد. یک جور دیگری هم ممکن است شخصی مشی کند. بگوید لا ضرر و لا ضرار، آن احکام عقلایی که در اینجور موارد وجود دارد، یعنی بگوییم به آن روش‌های عقلایی که در اینجا وجود دارد. اگر این باشد آن هم معنایش این است که لا ضرر و لا ضرار حکم تعبدی نیست، حکم عقلایی است باید دید سیرة عقلا به چه نحو هست. خیلی طبیعتاً لا ضرر و لا ضرار خودش یک قاعدة تأسیسی شرعی نخواهد بود. آقای سیستانی در یک جا هم تصریح کرده که لا ضرار به آن معنای واسع ما امضای سیرة عقلاییه است. اگر ما این را امضای سیرة عقلایی بدانیم معنایش این است که صرفاً امضای سیرة عقلایی بدانیم معنایش این است که عمده آن سیرة عقلایی است باید آن بحث سیرة عقلایی را دنبال کرد که آن سیرة عقلاییه آیا به این معنای وسیع هست نیست، حالا بعضی نکات در جلسات بعد عرض می‌کنم، آقای سیستانی تطبیقات این بحث یک صحبت‌هایی دارند که آقایان دیگر به آن گستردگی شاید بحث را نیاورده باشد. علی ای تقدیر عرض من این هست که ما اگر هم بخواهیم از لا ضرر بگوییم شارع مقدس احکامی برای جلوگیری از تحقق ضرر جعل کرده است، این را استفاده کنیم، با توجه به علم خارجی ما به این‌که تمام احکامی که ممکن است جلوی ضرر را بگیرد جعل نشده است، یک احکام خاصه‌ای جعل شده‌اند، خود ایشان هم هیچ وقت قائل به این نیست که هر حکمی که روشن است، برای جلوگیری ضرر احکام مختلفی انسان می‌تواند تصور کند. قلع مادة فساد حالا در آنجا درخت بود حالا طرف در جاهای دیگر، هر جور انواع و اقسام قلع مادة فساد، اینجور نیست که مثلاً حق شفعه و امثال اینها آقای سیستانی می‌گویند که شارع مقدس چیزی که موضوعی که زمینة ضرر هست را برطرف می‌کند. در شرکت، نفس شراکت موضوع برداشتن ضرر هست. ولی حالا در همه جا هست چیزی که اگر وجود داشته باشد ممکن است به دعوا و امثال اینها باشد، آنها را مرتفع کنیم. اینجور نیست که خیلی وقت‌ها موضوعاتی هست که وجود دارد و شارع مقدس برای آنها حکمی جعل نکرده. اینها اگر هم به لا ضرر و لا ضرار استناد شده، به این اعتبار هست که لا ضرر و لا ضرار می‌تواند هدفی باشد که شارع به ملاحظة آن هدف یک احکامی را جعل کرده. آن وقت لا ضرر و لا ضرار یک قاعده‌ای که تطبیق این قاعده بر مورد است و استفادة احکامی که به استناد لا ضرر و لا ضرار جعل شده است از این استفاده نمی‌شود. باید در مورد تطبیقات و موارد تطبیقاتش به آنها. اگر هم بحث سیرة عقلا و امثال اینها باشد که سیرة عقلا خودش یک دلیل مستقل هست، لا ضرر و لا ضرار از جنبة تأسیسی بودنش خارج می‌شود، می‌شود یک قاعدة امضائیه، خود آن سیرة عقلا را بررسی کرد که چه مقدار آن سیرة عقلا گستردگی دارد و چه مقدار گستردگی ندارد.

فقط سرفصل را شروع کنم. آقای سیستانی بعد از این وارد یک بحثی می‌شوند در تطبیقات قاعده. دو تا مثال مطرح می‌کنند. یک مثال بحث این‌که حابسی که شخصی را حبس می‌کند آیا با لا ضرر ما می‌توانیم ضمان را بر حابس ثابت کنیم یا نمی‌توانیم. البته آقای سیستانی یک مقداری را وسیع‌تر از آقایان دیگر این بحث را مطرح می‌کنند ملاحظه کنید. یک بحث دیگر، بحث حق طلاق که به حاکم شرع آیا داده شده در جایی که شوهر از انفاق به زن خودداری کند. یک مقدار بحث فقهی هم که ایشان کردند ما در همان محدودة که ایشان، البته تمام فروع و خصوصیات این بحث را نخواستند مطرح کنند، ما به همان محدوده‌ای که ایشان وارد شده بحث را دنبال خواهیم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محم

پایان